

### چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی است که به بررسی و تبیین این شغل ارزشمند در آیات قرآن و تفاسیر مربوطه و کلمات و آموزه های ائمه معصومین (علیهم السلام) می پردازد. کشاورزی به عنوان یکی از پدیده های لاینفک توسعه اقتصادی در هر کشوری شناخته شده است و کشاورزی مؤثر می تواند نقش قابل توجهی در اقتصاد یک کشور ایفا کند، از این رو شناخت عوامل مؤثر بر توسعه کشاورزی از دیدگاه اسلام، می تواند به توسعه اقتصادی کشور اسلامی کمک کند.

بنابراین این مقاله با هدف بررسی مسائل کشاورزی مطابق با تعالیم اسلامی تدوین شده است. بدین منظور در این پژوهش علاوه بر بررسی اهمیت و جایگاه کشاورزی در اسلام به فلسفه ترویج آن در آموزه های دینی اشاره شده است.

به دیگر سخن این رساله نشان می دهد که اگر کشاورزی با توجه به سخنان و سفارشات اسلام صورت گیرد، علاوه بر اینکه منجر به سعادت دنیوی خواهد شد، تعالی روحی و معنوی کشاورز را نیز به دنبال دارد.

**واژگان کلیدی:** کشاورزی، توسعه، اسلام، قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام)

۱. طلبة سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها (نویسنده مسئول)

۲. استاد راهنما، استاد سطح ۳ حوزه علمیه

## طرح بحث

از دیر زمان تا کنون، یکی از پسندیده‌ترین کارها در میان تمام ملل و ادیان، کشاورزی و دامداری بوده است؛ چنانچه تمام ادیان الهی کشاورزی را شغلی مقدس دانسته و پیشوایان مذهبی در هر عصر، علاوه بر آنکه خود با کمال علاقه‌مندی به کار کشاورزی اشتغال داشته‌اند، مردم را نیز به این کار تشویق می‌کردند.

به طور کلی در ادیان به موضوع کشاورزی، باغداری و دامداری توجه شده، اما به ویژه در اسلام و قرآن کریم که مکمل سیره گذشته ادیان و آخرین آن‌هاست، برای این امر ارزش قابل توجهی قائل شده است. در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام)، به طور مکرر و با جنبه اهمیت، به مسائل مربوط به کشاورزی اشاره شده است.

از این رو، آن چه فراروی دارید آن دسته از آیات قرآن و سخنان معصومان (علیهم السلام) است که درباره کشاورزی بیان شده و این نوشتار کوشیده است آن‌ها را سامان دهد و تقدیم شما خواننده ارجمند نماید.

## اهمیت کشاورزی در آموزه‌های دینی

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان او یکی از اهرم‌های استقلال اقتصادی هر کشور است، از این رو از آغاز زندگی بشر تا به امروز مورد اهمیت بوده و به تدریج نیز دستخوش تغییرات و پیشرفتهای قابل توجهی قرار گرفته است تا بتواند نیازهای تغذیه ای انسان را با بالاترین بهره‌وری و کمترین اتلاف پاسخ گوید به طوری که انسان از ابتدای خلقت با امر کشاورزی سروکار داشته است.

کشاورزی در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است.

این کار نه تنها در کلمات آن بزرگان مورد بیشترین تأکید قرار گرفته، بلکه اکثر پیامبران الهی،



پیشوایان معصوم و بندگان صالح عملاً به این کار پرداخته و به آن افتخار کرده اند. آن بزرگان کشاورزان را انسانهایی ارزشمند، متوکل، نیکوکار، صاحب پاک ترین و حلال ترین شغل ها و سودمند به حال جامعه معرفی کرده، در جهان آخرت، صاحب بهترین مقامات دانسته اند. اهمیت و ارزش دادن به کشاورزی در فرهنگ غنی اسلام تا آنجا پیش رفته که ذات مقدس باری تعالی در قرآن خودش را کشاورز معرفی کرده، خطاب به مردم می فرماید:

« أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ \* » (واقعه / ۶۳ و ۶۴)

آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! (۶۳) آیا شما آن را می روینید یا ما می روینیم؟! (۶۴) در باب اهمیت کشاورزی می توان به پیشینه کشاورزی نیز اشاره کوتاهی کرد:

«نسخه های تصحیح شده کتاب های آسمانی بر این واقعیت گواهی می دهند که اقامتگاه اولیه حضرت آدم، جد بزرگ نوع بشر، باغ انبوه و پر درختی بود(جنت) و وی در آنجا در حیاتی آکنده از صلح و آسایش کامل به سر می برد.» (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۰: ۵) برپایه برخی از روایات که در بررسی روایات به آنها پرداخته می شود، زمانی که آدم ابوالبشر پا به عرصه زمین نهاد و احساس گرسنگی کرد، جبرئیل از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درختکاری را به او آموخت و این روش را پیامبران پس از وی نیز یکی پس از دیگری برگزیدند و پس از آن نیز کشاورزی از مهمترین شغل های مردم در طول تاریخ بوده است.

« بسیاری از پیامبرانی که در قرآن از آنها نام برده شده نظیر حضرت آدم(علیه السلام) یوسف (علیه السلام) و ایوب(علیه السلام)کشاورزان برجسته ای بودند. دو پسر آدم(علیه السلام) هابیل و قابیل هرکدام با یکی از شاخه های کشاورزی در ارتباط بودند. هابیل چوپان و قابیل زارع بود.» (برشان، ۱۳۹۱: ۳۴)، «ایوب پیامبر (علیه السلام) نیز دارای یک مزرعه وسیع کشاورزی بوده که از ۵۰۰ جفت گاو نر در آن استفاده می شده است.» (ر.ک: صداقت/ ۱۳۸۵: ج ۱/۲۷۴)



## ۱. اهمیت کشاورزی از دیدگاه قرآن

همانطور که بیان شد، کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان و یکی از اهرم‌های استقلال اقتصادی هر کشور است، از این رو، دین اسلام به کشاورزی اهمیت فراوانی داده و برای آن ارزش بالایی برشمرده است. از آن جا که قرآن کریم برای هدایت بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی است، آن چه در این راه مورد نیاز انسان بوده، بیان کرده است. بدین جهت آیاتی که درباره کشاورزی و زراعت در قرآن وجود دارد، در راستای همان هدف یعنی هدایت می باشد

در چندین آیه به کشاورزی و زراعت اشاره شده است:

خداوند متعال در سوره زمر میفرماید:

«الْمَ تَرَأَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفراً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَ لِبُأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)» (زمر/ ۲۱)

آیا (نشانه های لطف خدا را در دنیا) نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و آن را در روی زمین در نهرها و جویها روان ساخت آن گاه انواع نباتات گوناگون بدان برویاند باز (از سبزی و خرّمی) رو به خزان آرد و نخست بنگری که زرد شود و آن گاه خدا (چوب و علف) خشکش گرداند؟ همانا در آن صاحبان عقل را تذکر است.

«اشاره آیه به گردش نظام هستی بخش آفرینش در پدیده‌هایی محسوس است که تمام انسان‌ها آن را می بینند و حس می کنند و بایستی این یادآوری یعنی گردش و ریزش باران، و خیزش چشمه‌ها و رویش گیاهان رنگارنگ، گلها و درختان و سپس فرسایش و زرد شدن و خشکیدن که در تمام این گردش و حرکت جلوه‌های گوناگون حیات از هر کدام در هر مرحله نوعی سود و بهره عاید انسانها می شود از چشمه‌سارهای سرمایه حیات، از گیاهان سبز و رنگارنگ غذاها و داروها و تمام نیازهای طبیعی سپس از خشک شدنشان ذخیره غلات و دانه‌ها و از تمام اینها سیمای هستی بخش و تجلی آفریدگار لطیف و آگاه که براستی با تفکر در آیه فوق روح تشنه



آدمی از علم و هنر و آگاهی سیراب می‌شود و پس از آن می‌گوید «...إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۳۱)؛ «براستی که برای هر صاحب خردی اندیشمند یادی و ذکری از جهان‌دار ازل و ابدی است.» (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ج ۱/۵۱)

همچنین در آیه ۲۷ سوره سجده آمده است:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ»

آیا نمی‌بینند که آب را به زمین خشک و بی‌گیاه روانه می‌سازیم تا کشتزارها برویانیم و چارپایان و خودشان از آن بخورند؟ چرا نمی‌بینند؟

در مجمع البیان آمده است که «اصل کلمه سوق به معنای وادار کردن کسی است به راه رفتن، و از ماده ساق، يسوق است. و نیز گفته کلمه جرز زمین خشکی را گویند که به خاطر نیامدن باران بدون گیاه باشد» (مترجمان، ۱۳۶۰: ج ۸/۳۳۳)

و کلمه زرع در اصل مصدر بوده، و مراد از آن در اینجا مزروع (زراعت) است.

«این آیه یکی دیگر از آیات خدای سبحان را تذکر می‌دهد که بر حسن تدبیر او نسبت به موجودات و مخصوصا موجودات زنده از قبیل چارپایان و انسان دلالت می‌کند و مراد از سوق آب به سوی زمین خالی از گیاه، راندن ابرهای حامل باران به سوی آن سرزمین است.

پس، از نزول باران از ابر، حیات زمین، و بیرون شدن زرع، و تغذی انسان و چارپایان تأمین می‌شود، چارپایانی که خداوند آنها را رام انسانها کرده، تا برای رسیدن به مقاصد حیات خود تربیتشان کنند.» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ج ۱۶/۴۰۱)

خداوند در سوره مبارکه واقعه نیز می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

\* لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» (واقعه/ ۶۳ و ۶۴ و ۶۵)



آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟!

آیا شما آن را می‌رویابید یا ما می‌رویابیم؟

هر گاه بخواهیم آن را مبذل به کاه در هم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید!

از این آیات استفاده می‌شود که نزول باران و رویش گیاهان و درختان به دست خداست و کار کشاورزان بذرافشانی و ایجاد زمینه رویش گیاه است. پس می‌توان ایشان را جلوه برکت الهی در زمین دانست و این یکی از والاترین ارزش‌های کشاورزی است.

قرآن مجید سرشار از تشبیهات و استعاراتی است که درباره کشاورزی است و انسان را به توجه و اندیشه عمیق فرا می‌خواند.

## ۲. اهمیت کشاورزی از دیدگاه احادیث

امامان معصوم (علیهم السلام) با تعبیرهایی رسا و بی‌مانند، ارزش کشاورزی را باز گفتند که این سخنان ارزشمند می‌تواند انقلابی عظیم در اهمیت، کمیّت و کیفیت کشاورزی در جهان اسلام پدید آورد. سخنان معصومین (علیهم السلام) در این باره بسی روشن و استوار است، درباره اهمیت کشاورزی در اسلام روایات گهرباری با بیانهای مختلف گویای این مطلب است.

«الْفَلَاحِينَ فَقَالَ هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرْعَةِ وَ

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيسَ (علیه السلام) فَإِنَّهُ كَانَ خَيَّاطًا.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۳۸۴/۶)

ابن هارون واسطی می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) (درباره فلاحین پرسیدم: پس فرمود: آن‌ها همان کشاورزان هستند گنج‌های خدایند در زمینش و در کارها چیزی دوست‌داشتنی‌تر پیش خداوند از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر اینکه کشاورز بوده مگر حضرت ادريس (علی نبینا و آله و علیه السلام) که خیاط بوده است.

در حدیث دیگر که بسیار قابل توجه است و با وجود کوتاهی سخن، اهمیت کشاورزی را به طور



دقیق بر خواننده روشن می‌کند، این گونه میفرماید:

«رَوَى أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْكَيْمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۹/۳۴)

از امام صادق (علیه السلام) نقل کردند: کشاورزی بزرگ ترین کیمیا است.

از دیرباز تبدیل بی ارزش به با ارزش مانند دگرگونی مس به طلا، به کیمیا مشهور بوده است و این که امام بزرگترین کیمیا را کشاورزی می دانند، بدین معناست که زراعت می‌تواند از خاک که به نظر بی ارزش است، با ارزشترین نعمت های الهی که همان محصولات است که طی فرآیند کشاورزی تولید می شود، تبدیل کند. در ادامه به بیان احادیث مهم دیگر در این باب بسنده شده است: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَّهُ مَنْ بَاعَ أَرْضًا وَمَاءً فَلَمْ يَضَعْ ثَمَنَهُ فِي

أَرْضٍ وَمَاءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مَحَقًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/۱۷۰)

امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: در تورات آمده است که هرکس زمین و آبی را بفروشد و پول آنرا در زمین و آبی سرمایه گذاری نکند، سرمایه اش نابود می‌شود.

### ۳. اهمیت کشاورزی در سیره معصومین(علیهم السلام)

طبق فرمایشات ائمه معصومین(علیهم السلام)، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز، در مواقعی از عمر شریفشان، به زراعت و امور کشاورزی می پرداخته اند؛ ابی حمزه به نقل از پدرشان، روایتی را نقل می کند که مؤید این امر است؛ ایشان نقل کردند:

«رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ الرَّجَالُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَمِنْ أَبِي فَقُلْتُ لَهُ وَمَنْ هُوَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ آبَائِي (عليه السلام) كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا

بِأَيْدِيهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۷۵)



امام هادی (علیه السلام) را دیدم که بر روی زمین کار می کرد و عرق از سرو رویش می ریخت؛ عرضه داشتیم، فدایت شوم خدمتکاران به کجا رفته اند که شما خود این کار را می کنید؟ فرمودند که: با بیل کار کرده است کسی که بهتر از من و پدر من بوده است؛ سپس فرمودند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و تمام پدران من به دست خود، در زمین کار کرده اند؛ این کار، کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان است.

امام علی (علیه السلام) در کنار کارهایی چون تعلیم و تعلم، قضاوت و حضور در میدان جنگ، به کارهای اقتصادی نیز اهمیت می داد و یک کشاورز نمونه بود. در احیای زمین‌ها می کوشید و دیگران را نیز به کاشتن بذرها و درخت‌ها تشویق می کرد.

در روایتی آمده است: «مردی در نزد حضرت علی (علیه السلام) یک "وَسَق" خرما دید، پرسید: مقصود از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟ فرمود: همه آن‌ها به اذن الهی درخت خرما خواهند شد. راوی می گوید که امام (علیه السلام) آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی پدید آمد و آن را وقف کرد.» (جعفر سبحانی، ۱۳۶۸: ۲۹۶)

همانطور که مشاهده می شود، در سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام) فعالیت های اقتصادی ارزش بالایی دارد. آن بزرگواران کارگران و تولید کنندگان را بسیار تشویق می کردند و خودشان نیز در این راه از کمترین تلاشی فروگذار نمی کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) این بوده است که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می کشیدند و هیچ گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی کردند، این امر بیانگر نوع نگرش آن برگزیدگان به دنیا و رابطه آن با آخرت است و بر اندیشه های انحرافی زهد مآبانه که کار و تولید را با کمالات معنوی و مصالح اخروی در تضاد می دانستند و یا افکار باطل ارباب مآبانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه می دانستند، خط بطلان می کشد.





#### ۴. کشاورزی در آینه کلام امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله)

سیری در آثار و مواضع رهبر فقید انقلاب، نشان می دهد که از آغاز نهضت ۱۵ خرداد، عنایت رهبری به کشاورزی و کشاورزان ایرانی به چشم می خورد که حاکی از این است که امام خمینی (رحمه الله)، افزون بر اسلام خواهی و کوشش احیاگرانه در جهت پیاده شدن احکام دینی در عرصه حیات و اجتماع مسلمانان، به کشور و پیشرفت و آبادانی و خودتکابی و توسعه اقتصادی آن نظر داشته است. در مصاحبه ها و سخنرانی ها و اعلامیه های روشنگرانه، از کشاورزان به نیکی یاد کرده و نقش و تأثیر ویژه این قشر سخت کوش را در رشد اقتصادی و نیل به آبادانی و استقلال سیاسی کشور خاطر نشان می ساخت.

«اگر کشاورزی صحیح در ایران به وجود آید، ما، در آینده، یکی از صادرکنندگان مواد غذایی خواهیم بود. ما قبل از اصلاحات ارضی ساخته امریکا که ایران را در بست در اختیار امریکا قرار داد، یکی از صادرکنندگان مواد غذایی بودیم. ایران، یکی از کشورهای نادری است که اگر اصول صحیح کشاورزی در آن پیاده شود، یکی دو استان آن، اکثر مواد غذایی ایران را تامین خواهد کرد.» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵ / ۲۹۶) ایشان در رابطه با وظیفه دولت در امر کشاورزی می فرمایند: «لازم است دولت، بیش از پیش، کمک های لازم را به کشاورزی و کشاورزان بکند و در این امر از هیچ کوششی خودداری ننماید و از پیچ و خمهای اداری که موجب تاخیر در این امر حیاتی است، جلوگیری نماید، و در این موضوع [احیای کشاورزی] به استان داران در سطح کشور سفارش اکید نماید که امر کشاورزی در کشور ما، از اهم امور است و هدایت و اجرای آن به وجه صحیح، اساس اقتصاد کشور است.» (خمینی / ۱۳۷۸: ج ۱۴ / ۲۵۵)

در جای دیگر نیز فرمودند: «ما کشاورزی خود را مکانیزه خواهیم کرد و دولت اسلامی موظف است که آنچه را زارعین احتیاج دارند، به بهترین وجه در اختیار آنان بگذارد. اگر کشاورزی صحیح



در ایران به وجود آید، ما در آینده یکی از صادرکنندگان مواد غذایی خواهیم بود.» ( خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴ / ۲۹۵)

در ادبیات رهبر فقید انقلاب عباراتی به چشم می‌آید که هر کدام دلیلی است بر این ادعا که ایشان لازمه‌ی صعود به قله پیشرفت کشور را در گروهی تحول بخش کشاورزی می‌دانند.

همچنین به وضوح می‌توان نقش پررنگ بخش کشاورزی را در اندیشه‌ی اقتصادی رهبر معظم انقلاب (مدظله) که تا به امروز در قول و فعل، راه انقلاب را راه امام دانسته‌اند، رصد کرد. ایشان در اغلب سیاست‌های ابلاغی و سفرهای استانی خود محور توسعه‌ی منطقه‌ای نواحی مختلف کشور را کشاورزی برشمرده و بهترین راه حل برون رفت از معضل اشتغال جوانان این مناطق را رونق کشاورزی آنجا و گسترش سرمایه‌گذاری در این بخش بیان فرموده‌اند. که در بیانات ایشان در جمع اعضای کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی در سال جدید مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. ایشان معتقد است برای یک تحول و اثرگذاری قابل لمس در عرصه کشاورزی فرصت چهار ساله یک دولت کفایت می‌کند. ایشان دریچه‌ی ورود به پیشرفت را ارتقای کیفی و کمی بخش کشاورزی دانسته و برای رسیدن به این مهم حتی توصیه به تمرکز پول نفت در این حوزه و بسیج امکانات کشور برای رونق آن می‌دانند:

«... بخش کشاورزی در نظام ما، واقعاً یکی از بخش‌های بسیار با اولویت است. هنوز هم من نمی‌دانم که آیا اولویت لازم به این بخش داده می‌شود، و آن کاری که باید در این بخش انجام بگیرد، آیا به صورت کامل و صددرصد انجام می‌گیرد، یا نه. به هر حال، این کار باید انجام بگیرد. فرضاً شش ماه یا یک سال زمان بگذاریم، برای این که همه‌ی دستگاه‌ها تحت الشعاع کشاورزی قرار بگیرند؛ صنعت در خدمت کشاورزی باشد؛ پول نفت در خدمت کشاورزی باشد...»

در ادبیات ایشان برای متوجه ساختن مردم و مسئولین به بخش کشاورزی عباراتی قابل تأمل را می‌توان یافت که بدین قرار است: «حیات طیبه و تمدن جدید، در گرو استفاده از منابع موجود و



اوج گیری کشاورزی - اصلی ترین پایه ی خود کفایی کشور، تأمین مواد غذایی - توجه به کشاورزی مسئولیت قوای سه گانه، مسئولان گوناگون و آحاد ملت - آبروی اسلام و کشور در گرو آبادانی و لازمehاش توجه به کشاورزی - سرمایه گذاری های کشاورزی راه حل بسیار مهم در امر اشتغال زایی و مقابله با بزهکاری - در زمینه اقتصادی، عمده تلاش را باید روی تولید برد، اساس مسأله، تولید است - مسئله بسیار مهم اقتصادی کشور، خود کفایی در مواد اساسی کشاورزی - صادرات محصولات کشاورزی جایگزین اقتصاد نفتی... » (ر.ک: شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران، تحلیل کشاورزی جنگ افزار مبارزه با جهل، فقر و فساد)

همچنین ولی امر مسلمین حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام الله ظله العالی) در دیدار با جمع کثیری از جهادگران، سخنان مهمی ایراد فرمودند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد:

"دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدفهای بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. یکی از اساسی ترین کارها این است که در باب کشاورزی و محصولات کشاورزی، سیاستها ثابت، ماندگار و پیگیری شده باشد و به مسائل تولیدکنندگان کشاورزی رسیدگی شود. این طور نباشد که یک سال ما به خاطر کمبود پیاز، پیاز وارد کنیم؛ اما سال بعد که کشاورز ما پیاز تولید کرد، این محصول در انبارها بپوسد." (مجله فرهنگ جهاد، پاییز و زمستان ۱۳۸۲: شماره ۳۳ و ۳۴)

« البته علی رغم توصیه های مکرر حضرت امام (قدس سره) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) به دولت و مجلس مبنی بر اهتمام به بخش کشاورزی و اولویت دهی آن در اقتصاد کشور، عزم جدی در بین مسئولین مربوطه مشاهده نشده است. » (رجوع شود به بیانات رهبر انقلاب در جمع دولت

هشتم در تاریخ ۰۵/۰۶/۸۰)



## ۵. فلسفه ترویج کشاورزی و ابعاد معنوی آن

بشر به طور فطری به تکامل و بهبود علاقه‌مند است و در این راه دائم کوشش می‌کند که در نهایت منجر به توسعه و ترویج در زمینه‌های گوناگون می‌شود. بعضی از مفاهیم که نزدیک به معنای توسعه هستند و در منابع دینی به آنها اشاره شده است شامل: تأمین غذا، احیاء زمین، تعلیم و تربیت نیروی انسانی، صنعت، تجارت و کشاورزی به عنوان عوامل لازم برای توسعه و مفاهیمی همچون رفاه، گشایش در معیشت و زندگی، زیبایی و آبادی شهرها و راهها، افزونی درآمدها، توزیع عادلانه ثروت، امنیت، بهداشت روانی و آرامش روحی برای مردم به عنوان آثار توسعه نام برد.

از آیات قرآن استفاده می‌شود که فلسفه ترویج و توسعه در اسلام تنها دارای بعد مادی و اقتصادی نیست، بلکه برای عمران و توسعه ابعاد انسانی، اخلاقی، روانی و معنوی نیز در نظر گرفته شده است. بر این اساس، زمین آن‌گاه آباد (توسعه یافته) است که رشد و افزایش ثروت انسان‌ها همراه با آرامش و آسایش آنان باشد. به همین خاطر، برخی آیات قرآن یک رابطه معنوی بین ایمان به خدا، عبادت او و آبادی زمین و رفاه مادی انسان‌ها را مطرح می‌سازد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶)؛ و چنان چه اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین (درهای) برکات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می‌گشودیم.

از این آیه بدست می‌آید که آبادی زمین و فراوانی نعمتهای مادی و معنوی تنها با انجام کار اقتصادی فراهم نمی‌شود، بلکه انسانها باید ایمان و تقوا داشته باشند تا مستوجب نزول برکات الهی شوند. در چنین شرایطی نعمتهای فراوان مادی و معنوی، برکات الهی به شمار می‌آیند. البته معنای آیه این نیست که در هر جا فراوانی امکانات مادی مشاهده شود ناشی از ایمان و تقواست و برکات الهی محسوب می‌گردد، بلکه گاهی زیادی و فراوانی ثروت و امکانات مادی همراه با کفر و



شرک و کفران نعمتهای الهی است، در این صورت مصداق برکات الهی نخواهد بود، بلکه اسباب غفلت از خدا، دل مشغولی به دنیا، مفتون شدن به ثروت و قدرت و مقدمات هلاکت انسان است.

«حال آنکه از دیدگاه اسلامی، فعالیتهای اقتصادی اگر در راستای تعالیم قرآنی باشد. همچون نماز امری روحانی و معنوی تلقی شده و وجه مشخصه اصلی تمدن اسلامی می‌باشد. این جنبه از فلسفه اسلامی از اهمیت فوق العاده ای برای فلسفه ترویج برخوردار است.» (حسین، ترجمه حسینی- مبینی/۱۳۸۰: ۶۰)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) نیز در روایات متعددی مردم را به آباد کردن زمین، با بیان آثار حقوقی احیاء و عمران، تشویق کرده‌اند. این گونه روایات دربرگیرنده یک نوع حمایت حقوقی از آباد کردن زمین است.

«أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا فَهُمْ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُمْ»  
«(کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۹)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر قومی که مقداری از زمین را احیاء یا آباد کنند، آنان نسبت به آن زمین سزاوارترند و زمین برای آنهاست.

و نیز در روایت دیگری آمده است «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) مَنْ غَرَسَ شَجْرًا أَوْ حَفَرَ وادياً بَدَأَ لَهُ يَسْبِقُهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَ أَحْيَا أَرْضاً مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ قِضَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۰)

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم): هرکس درختی بکارد یا زمین بکری را (به منظور احداث نهر و مانند آن) حفاری کند که پیش از او کسی به آن مبادرت نکرده است، یا زمین مواتی را احیاء کند، برای اوست؛ این حکمی است از خدا و رسولش.



## ۶. عوامل توسعه کشاورزی از منظر اسلام

نگاه اسلام به توسعه، یک توسعه فراگیر است. مسئله توسعه در اسلام دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد. از دیدگاه اسلام، توسعه به وسیله عوامل معنوی مقدمه ای برای توسعه با عوامل مادی است و اگر به توسعه معنوی توجه شود، توسعه مادی نیز محقق خواهد شد. عوامل مادی شامل آب، خاک، نور خورشید، نیروی انسانی و سرمایه است که در این فصل به برخی از آنها اشاره می‌شود. اما منظور از توسعه معنوی، توسعه کشاورزی به وسیله عوامل معنوی مانند تقوا و توکل است و کشاورز باید ابتدا به عوامل معنوی توجه کند تا در صورت فراهم نبودن عوامل مادی یا شکست، از کار و کوشش نا امید نشود.

### ۶-۱. عوامل معنوی توسعه کشاورزی

عوامل معنوی قطعاً نقش بسیار مهمی را در توسعه ایفا می‌کنند و وجه تمایز کشاورز مسلمان از دیگر کشاورزان، توجه وی به این عوامل در درجه اول است که کار سخت و دشوار زراعت را نیز برای وی آسان می‌گرداند. در ذیل به طور مختصر به این شاخص‌های معنوی پرداخته می‌شود:

۱-۱-۶. تقوی؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَآخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف / ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان [معنوی] و برکات زمین [مادی] را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی [آنها حق را] تکذیب کردند؛ پس ما هم آنان را به کيفر اعمالشان مجازات کردیم.

ایمان و تقوا نه تنها سرچشمه برکات معنوی هستند، بلکه موجب فزونی نیازهای مادی و فراوانی نعمت‌ها و آبادی و عمران می‌شوند و استقامت بر ایمان و تقوا، عامل مهمی برای توسعه اقتصادی و نزول برکات و رفاه در زندگی است.



۲-۱-۶. توکل؛ «توکل بر خدا، آدمی را از وابستگی‌ها که سرچشمه ذلت و بردگی است، نجات می‌دهد و به او آزادی و اعتماد به نفس می‌بخشد.» (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۷۴: ج ۱۰ / ۲۹۸)

این آزادی و اعتماد به نفس، انسان را برای رسیدن به اهدافی همچون رفاه و تأمین احتیاجات زندگی و رفع نیازهای مادی و اقتصادی، برای رسیدن به اهدافی که در راستای قرب الهی دارد، یاری می‌رساند.

۳-۱-۶. شکرگزاری؛ شکر نعمت، در حقیقت، استعمال نعمت است؛ به نحوی که احسان نعمت دهنده یادآوری و اظهار شود که این امر، موجب زیاد شدن نعمت و کفران آن، باعث عذاب شدید است.

شکرگزاری، منشاء برکات فراوانی، مانند رفاه و آبادانی و توسعه اقتصادی است و بدون شک، خداوند در برابر نعمت‌هایی که به ما بخشیده، نیازی به شکر ما ندارد و اگر انسان را سفارش به شکرگزاری کرده، برای نزول نعمت است. «وَ إِذَا تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ أَنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم / ۷)

و اگر شکرگزاری کنید [نعمت خود را] بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

۴-۱-۶. خمس و زکات؛ تراکم ثروت، یکی از بزرگ‌ترین مسائل در ایجاد اختلال توازن اقتصادی هر جامعه است و باید از آن به هر وسیله ممکن، جلوگیری شود و خمس و زکات از امور واجبی است که به این توازن اقتصادی کمک خواهد کرد.

۵-۱-۶. انفاق؛ انفاق مال حلال با قصد قرب، بدون منت و با شیوه نیکو، بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید را به همراه دارد.

۶-۱-۶. منع اسراف و تبذیر؛ اسلام، اسراف و زیاده روی را حرام و ناروا می‌داند؛ زیرا مسلمانان به



تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه، مسئولند. همچنین اسلام مخالف کسی است که مال خود را بیهوده تلف می‌کند و تبذیر را انفاق مال در راه معصیت می‌داند.

## ۲-۶. عوامل مادی توسعه کشاورزی

بعد از پرداختن به بعد معنوی و بیان اهمیت آن در امر کشاورزی لازم است تا به عوامل مادی در بحث توسعه کشاورزی پرداخته شود. در مورد بعد مادی توسعه، در قرآن کریم آمده است: «...هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود / ۶۱)؛ او (خدا) شما را از زمین ایجاد کرد و به آبادانی در آن گماشت. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌فرماید: «عمارت، تغییر دادن زمین به محصولی است که بدان گونه بتوان از فواید مورد انتظار از آن استفاده کرد.» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۲۱)

در همین رابطه از امام علی (علیه السلام) روایت شده است:

«عَلِيٌّ (علیه السلام) فِي حَدِيثٍ أَنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةٌ الْإِمَارَةُ وَالْعِمَارَةُ وَالتَّجَارَةُ وَالْإِجَارَةُ وَ الصَّدَقَاتُ إِلَى أَنْ قَالَ وَأَمَّا وَجْهُ الْعِمَارَةِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود / ۶۱) «فَاعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَ الثَّمَرَاتِ وَ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشَ لِلْخَلْقِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹ / ۳۵)

امیر مومنان (علیه السلام) می‌فرماید: معیشت‌های مردم پنج قسم است: امارت، عمران، تجارت، اجاره و صدقات... اما دلیل عمران این سخن خداوند متعال است که فرمود: اوست که شما را از زمین پدید آورده و در آن رشدتان داده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید تا به وسیله دانه‌ها و ثمره‌ها و مانند آنها که از زمین حاصل می‌شوند، امرار معاش کنید.





## ۷. موانع توسعه کشاورزی در تعالیم اسلامی

کشاورزی یکی از ثروتهای خدادادی است که موجب برکت در مال و زندگی می‌شود و اگر دیده می‌شود که در برخی زمینها برکت، جای خویش را با بی‌برکتی عوض نموده است، شاید به خاطر این است که در برخی کشاورزان، امید به خداوند متعال جای خویش را به امید به غیر خدا و... داده است، البته در استفاده از امکانات و بهره‌برداری مناسب از زمین جای هیچ شکی نیست، اما آنچه که عامل اصلی در امر کشاورزی محسوب می‌شود توکل به خدا و شکر نعمتهای اوست. با این وجود موانع مختلفی برای زراعت یافت می‌شود که در آیات و روایات گوناگون به چشم می‌خورد. قحطی و خشکسالی، کم آبی و کم محصولی، سرمای شدید یا آفات، گزینه‌های مختلفی است که در زمانهای مختلفی از تاریخ به وقوع پیوسته و کشاورزی را با مشکل روبه رو ساخته است. مروری بر آیات و روایات نشانگر آن است که عوامل مختلفی در این زمینه دخالت دارند که توجه به آنها ضروری می‌باشد:

۱-۷. گناه؛ یکی از آثار اجتماعی گناه، خشکسالی و نباریدن باران، نزول بلا و آفات، و تغییر در نعمتهای الهی است؛ چنانکه قرآن کریم در آیات بسیاری پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی بر قرار می‌سازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی، خرمی، طراوت، سرسبزی و اضافه شدن نیرویی بر نیروها معرفی کرده، می‌فرماید: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/ ۵۲)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید؛ سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید!

خداوند از آیه ۱۵ تا ۱۹ سوره سبأ از این قوم سخن گفته است. در تفسیر این آیات، مردی از امام صادق (علیه السلام) این قول خدای عز و جل را پرسید: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا



أَنْفُسَهُمْ» (سبأ / ۱۹) گفتند: پروردگارا! بین سفرهای ما دوری انداز و آنها بخود ستم کردند... حضرت فرمود: آنها مردمی بودند دارای آبادیهای بهم پیوسته و در چشم‌رس یک دیگر با نهرهای جاری و اموال بسیار و نمایان، سپس نعمت های خدای عز و جل را ناسپاسی کردند و عافیت خدا را نسبت بخود دگرگون ساختند، خدا هم نعمت آنها را دگرگون ساخت و همانا خدا آنچه را مردمی دارند دگرگون نسازد، تا آنها خود را دگرگون کنند «خدا بر آنها سیل عرم» به معنای سد در مقابل رودخانه است، که آب را حبس می‌کند» (موسوی همدانی / ۱۳۷۴: ۱۶، ص ۵۴۹) فرستاد تا آبادی هایشان را غرقه نمود و دیارشان را خراب کرد و اموالشان را برد، و باغ های (سر سبز و پرمیوه) آنها را به دو باغ از درخت تلخ و شوره گز و اندکی سدر (یعنی درختان بی‌میوه خود رو که پس از خشک شدن سیل روئیده بود) تبدیل کرد، سپس خدای عز و جل فرماید: «ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَافِرِينَ»؛ (سبأ / ۱۷) «ناسپاسی آنها را چنین کیفر دادیم، مگر ما جز ناسپاس را کیفر دهیم.» (مصطفوی / بی تا: ۳، ۳۷۵)

«در ماجرای موسی (علیه السلام) و هارون، زمانی که هارون از فرمان موسی سرپیچی کرد، در سال اول خداوند طوفانی به سوی آنها فرستاد که خانه‌های آنها را ویران کرد و مجبور شدند بیرون از شهر خیمه بزنند، بعد از نافرمانی دوباره، خداوند در سال دوم ملخ را بر آنها مسلط کرد، به طوری که ملخها همه چیزهای روئیدنی و درختان را خوردند و نزدیک بود موی سر و ریش مردم را هم بکنند، آن وقت فرعون به جزع در آمد و گفت: ای موسی از پروردگارت بخواه تا شرّ ملخها را از سر ما کوتاه کند، من هم بنی اسرائیل و پیروان تو را آزاد می‌گذارم، موسی هم دعا کرد و ملخها به دعای موسی از آنجا رفتند، اما باز هم هامان (وزیر فرعون) نگذاشت که فرعون بنی اسرائیل را آزاد کند.

در سال سوم خداوند شپش را بر آنها نازل فرمود که در اثر آن همه زراعتشان نابود شد و دچار



قحطی و گرسنگی شدند، این بار فرعون به موسی عرضه داشت:

اگر شپش را از ما دفع کنی من دیگر کاری به بنی اسرائیل نخواهم داشت، موسی هم دعا کرد و شپش نابود شد، (در روایت آمده است، اولین بار شپش در زمان فرعون آفریده شد) باز هم فرعون بنی اسرائیل را آزاد نکرد.» (ر.ک: مشایخ، / ۱۳۸۱: ص ۳۵۵)

نکته قابل توجه اینجاست که اگر چه یکی از آثار گناه، خشکسالی و نباریدن باران است، اما خداوند متعال در آیات دیگری نوید داده است که اگر از گناهانتان توبه کنید، رحمت الهی بر شما نازل خواهد شد.

«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا...» (هود / ۵۲)؛ ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بارانی پیوسته بر شما بباراند...

## ۲-۷. عدم پرداخت زکات

عدم پرداخت زکات، یکی از موانع اصلی و تأثیر گذار کشاورزی از منظر تعالیم اسلامی است که امام باقر (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بُرْكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا» (کلینی / ۱۴۰۷: ۲ / ۳۷۴) هر گاه [مردم] از دادن زکات دریغ کنند، زمین برکات خود را از تمام زراعت، میوه‌ها و معادن خویش دریغ کند.»

«ابی حمزه، از حضرت ابی جعفر (علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هنگامی که زنا بعد از من آشکار شود مرگ ناگهانی بسیار می‌گردد و وقتی ترازوها از وزن اجناس کم و ناقص گذارند حق تعالی نیز سالها را کم و ناقص می‌نماید و هنگامی که مردم از دادن زکات خودداری کنند، زمین از برکاتش یعنی زراعت‌ها و میوه‌ها و معادن ممانعت می‌نماید.» (ذهنی تهرانی / ۱۳۸۰: ۲ / ۸۵۵)



«در خاطرات کودکی حضرت آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی (ره) آمده است: کشاورزان منطقه [قلعه آقا عبدالله شاهرود] دو سال پیپی در بند ملخها گرفتار آمده بودند. آشکار شدن آثار این آفت در ماههای آغازین سال سوم آنها را در نگرانی فرو برد. سران آبادی در سرای "سید علی" گرد هم آمدند تا راههای مبارزه با ملخها را بررسی نمایند. هریک از آنها به فراخور تجربه خویش راهی پیشنهاد کرده، درباره آن سخن گفتند؛ چون گفتگوها به بن بست رسید، سید محمود یکباره برخاست و گفت: همه به خداوند روی آورید و بر پرداخت زکات مالتان پیمان ببندید تا پروردگار آفت را از مزارعتان دور سازد و باران رحمت خویش را بر شما فرو ریزد. این سخن بزرگ که از کودکی خردسال بعید می نمود، کشاورزان نگران را به خود آورد. همه پیمان بستند که اگر آفات از کشتزارشان دور شود و کشتهایشان به بار نشست، زکات بپردازند و چنین شد.» (فجرى/ ۱۳۸۷: ۹۹)

### ۳-۷. عدم انفاق

دین اسلام بر رسیدگی به فقرا و مساکین تأکید فراوانی نموده و در مال اغنیاء سهمی را برای آنان قرار داده است. قرآن کریم در آیات ۱۷ تا ۳۳ سوره قلم به عده‌ای از ثروتمندان اشاره می نماید که دارای باغ خرم و سرسبزی بودند، و سرانجام بر اثر خیره‌سری و عدم انفاق نابود شدند. ماجرا چنین بود که این باغ در اختیار پیر مرد مؤمنی قرار داشت، که به قدر نیاز از آن برمی گرفت، و بقیه را به مستحقان و نیازمندان می داد؛ اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندان او گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چرا که عیال و فرزندان ما بسیارند، و ما نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم! و به این ترتیب تصمیم گرفتند تمام مستمندان را که هر ساله از آن بهره می گرفتند، محروم سازند.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «این تصمیم آنها نشان می دهد که این کار ناشی از نیاز نبود؛ بلکه ناشی از بخل و ضعف ایمان آنها بود؛ زیرا انسان هر قدر هم نیازمند باشد، می تواند کمی



از محصول یک باغ پردرآمد را به نیازمندان اختصاص دهد. به هنگام شب، در آن موقع که همه آنها در خواب بودند، عذاب و بلایی فراگیر از ناحیه پروردگار بر تمام باغ فرود آمد، آتشی سوزان و صاعقه‌ای مرگبار چنان بر آن مسلط شد که آن باغ خرم و سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی گردید و جز مستی خاکستر از آن باقی نماند. به هر حال، صاحبان باغ به گمان اینکه درختهای پر بارشان آماده چیدن میوه است، در آغاز صبح یکدیگر را صدا زدند، و گفتند: «به سوی کشتزار و باغستان خود حرکت کنید، اگر می‌خواهید میوه‌های خود را بچینید!» به این ترتیب آنها به سوی باغشان حرکت کردند؛ در حالی که آهسته با هم سخن می‌گفتند که (مواظب باشید امروز حتی یک فقیر وارد بر شما نشود!) و چنان آهسته سخن می‌گفتند که صدای آنها به گوش کسی نرسد، مبادا مسکینی خبردار شود، و برای خوشه‌چینی، یا گرفتن مختصری میوه برای سیر کردن شکم خود، به سراغ آنها برود! چنین به نظر می‌رسد که به خاطر سابقه اعمال نیک پدر، جمعی از فقرا همه ساله در انتظار چنین ایامی بودند که میوه‌چینی باغ شروع شود و بهره‌ای عائد آنها گردد و لذا این فرزندان بخیل و ناخلف چنان مخفیانه حرکت کردند که هیچکس احتمال ندهد که چنان روزی فرا رسیده، و هنگامی فقرا با خبر شوند که کار از کار گذشته باشد. و به این ترتیب آنها صبحگاهان به قصد باغ و کشتزار خود با قدرت تمام بر منع مستمندان حرکت کردند؛ اما هنگامی که آنها باغ خود را دیدند، چنان اوضاع به هم ریخته بود که گفتند: این باغ ما نیست، ما راه را گم کرده‌ایم. سپس افزودند: بلکه ما محرومان واقعی هستیم؛ می‌خواستیم مستمندان و نیازمندان را محروم کنیم؛ اما خودمان از همه بیش‌تر محروم شدیم. هم محروم از درآمد مادی، و هم برکات معنوی که از طریق انفاق در راه خدا و به نیازمندان به دست می‌آید. در این میان یکی از آنها که از همه عاقل‌تر بود گفت: آیا به شما نگفتم: چرا تسبیح خدا نمی‌گویید؟ نگفتم: خدا را به عظمت یاد کنید، و از مخالفت او بپرهیزید و شکر نعمت او را بجا آورید، و نیازمندان را از اموال خود بهره‌مند



سازید؟ ولی شما گوش نکردید، و به روزگار سیاه افتادید!» (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۷۴: ۲۴/۳۹۴-۴۰۰)

این آیه به روشنی بیانگر آن است که فراموشکاری یا مسامحه انسان از تعهدات خویش در قبال خداوند متعال و نسبت به افراد مستمند و نیازمند می‌تواند منجر به بروز مصائب و حوادث ناگوار شده و مانعی بر سر راه زراعت گردد.

#### ۷-۴. کمی اطلاعات و مدیریت

البته نباید از نظر دور داشت که کمی اطلاعات کشاورزان از دانش های کشاورزی و عدم مدیریت صحیح نیز عامل مهمی برای کم محصولی می‌باشد. بنابراین، در زمان حاضر که کشت و زرع نیازمند استفاده از آلات و ابزار و روشهایی تازه است؛ لازم است که کشاورزان، آنها را مورد استفاده قرار دهند و در کار با آنها مهارت پیدا کنند تا سال به سال محصول بهتر و با کیفیت‌تر به دست آورده و علاوه بر معاش خود و خانواده، دیگران را از آن بهره‌مند نمایند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره تلاش برای حضور در بازار مسلمانان و ارائه محصول در آن می‌فرماید: «لَجَالِبُ إِلَى سُوْقِنَا كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُحْتَكِرُ فِي سُوْقِنَا كَالْمُلْجِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (پابنده، ۱۳۸۲: ۴۳۲)

«آنکه به بازار ما چیزی وارد می‌کند، مانند آن کس است که در راه خدا جهاد می‌کند و آنکه در بازار ما احتکار می‌کند، مانند کسی است که در کتاب خدا کافر بشمار رفته است.»

روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که علت آفت مزارع را بی اطلاعی دانسته و مردم را به روش درست زراعت راهنمایی می‌فرماید: «أَنَّ النَّبِيَّ (صلی الله علیه و آله و سلم) قَالَ: مَرَّ أَحْيَى عَيْسَى (علیه السلام) بِمَدِينَةٍ وَإِذَا فِي ثَمَارِهَا الدُّودُ فَشَكَوْا إِلَيْهِ مَا بِهِمْ فَقَالَ دَوَاءُ هَذَا مَعَكُمْ وَ لَيْسَ تَعْلَمُونَ أَنْتُمْ قَوْمٌ إِذَا غَرَسْتُمُ الْأَشْجَارَ صَبَبْتُمُ التُّرَابَ وَ لَيْسَ هَكَذَا يَجِبُ بَلْ يَنْبَغِي أَنْ



تَصُبُّوا الْمَاءَ فِي أَصُولِ الشَّجَرِ ثُمَّ تَصُبُّوا التُّرَابَ لِكَيْلَا يَقَعَ فِيهِ الدُّوْدُ فَاسْتَأْنَفُوا كَمَا وَصَفَ فَذَهَبَ ذَلِكَ عَنْهُمْ. « (حر عاملی / ۱۴۰۹: ج ۱۹ / ص ۳۲)

پیامبر ﷺ فرمود: برادرم عیسی از شهری میگذشت در حالی که میوه های باغ آنها آفت زده شده بود، مردم آن نزد او شکوه بردند. او فرمود: آفت زدایی اینها به دست خودتان انجام می گیرد که نمی دانید. شما هنگام درختکاری نخست پای نهال خاک می ریزید، در حالی که باید ابتدا آب به ریشه های نهال بریزید سپس خاک بریزید تا کرم زده نشوند. پس آنان نهال کاری را به این سبک آغاز کردند و آفت زدایی شد.

در روایات مختلفی نیز اطلاعاتی راجع به کشاورزی داده شده است که نشانگر اهمیت دین اسلام به این امر است تا آنجا که زارعان را به برخی امور راهنمایی و از بعضی کارها منع می کند.

« رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نخل را نسوزانید و آن را در آب غرق نکنید. درخت بارور را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵ / ۲۹)

و نیز فرمودند: « دلها را با آب و غذای بسیار نمیرانید، که دل آدمی چون زراعت است که اگر آب زیاد بخورد فاسد می شود. » (میرباقری / ۱۳۶۵: ج ۱ / ۲۸۳)

« امام علی (علیه السلام) فرمود: دلها را با زیاده روی در خوردن و آشامیدن نکشید زیرا که قلب نیز مانند زراعتی که آب بسیار به آن برسد، می میرد.» (مراغی / ۱۳۸۱: ۶۳)

«زراعتی که بر اثر آبیاری بیش از اندازه تباه شده است ثمری نمی دهد و از وجود آن اثری که مطلوب است به دست نمی آید، پس انسان نیز چنین است، و چون با پرخوری و پرآشامی فاسد و تباه شود، بر وجود او اثر مطلوب از (حیات انسانی)، مترتب نخواهد شد.» (حکیمی / ترجمه احمد

آرام / ۱۳۸۰: ج ۴ / ۶۶۹)



این تشبیهات واقعگرایانه، مسائل اساسی و مهمی را در تربیت آدمی و خودسازی و پرداخت اجتماع و تنظیم برنامه اقتصادی متوازن به ما می‌آموزد که در نهایت همه اصول کشاورزی که در آیات و روایات اسلامی آمده است، علاوه بر مسائل مادی که به وضوح به آنها اشاره کرده است، در حقیقت بیان راهکارهای مناسب برای داشتن زندگی سعادت‌مندانانه در آخرت است.

### آثار کشاورزی در اندیشه اسلامی

بعد از بیان آداب کشاورزی و بیان راهکارهایی برای داشتن محصولات پرثمر با توجه به اندیشه اسلامی، در این بخش به آثاری که بر کشاورزی اسلامی مترتب است، پرداخته می‌شود. طبیعتاً امر کشاورزی دارای آثاری است که به نظر می‌رسد همه این آثار مثبت هستند، اما علاوه بر این کشاورزی بر روی بقیه‌ی افراد جامعه نیز تأثیر گذار است. این آثار را میتوان به آثار مادی و معنوی تقسیم کرد. که آثار مادی آن شامل همه کشاورزانی است که با توجه به اصول علمی یا تجربی و سنتی کشاورزی به آن می‌پردازند و آثار معنوی نیز می‌تواند شامل همه کشاورزان باشد، اما به نظر می‌رسد که این آثار بیشتر بر کشاورز مسلمان مترتب است.

#### ۱. آثار مادی

کشاورزی از مقدس‌ترین شغل‌های موجود دنیای امروز می‌باشد، چرا که رابطه مستقیم رزق این قشر با طبیعت طی یک چرخه بسیار منطقی و سالم می‌باشد، که همین امر باعث شده شاغلین به این حرفه از درصد خودکفایی بالایی برخوردار باشند، به گونه‌ای که روزی آنها فقط و فقط به طبیعت و نزولات جوئی وابسته است.

از آنجایی که اساسی‌ترین نیاز هر فرد، تأمین نیاز غذایی اوست. با توجه به محدود بودن زمین و آب برای جوامع رو به رشد، باید حداکثر محصول را از زمینهای زیر کشت به دست آورد. محصولات کشاورزی در دنیا، علاوه بر تأمین بخشی از غذای مورد نیاز بشر، در تأمین سلامتی انسان جایگاه ویژه‌ای دارد.





خداوند متعال در قرآن میفرماید: « وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ » (ذاریات / ۲۲)؛ و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می‌شوید، در آسمان است.

علامه طباطبائی در ذیل این آیه آورده است که « مراد از رزق، باران است که خدای تعالی آن را از آسمان یعنی از جهت بالای سر ما بر زمین نازل می‌کند، و به وسیله آن انواع گیاهانی که در مصرف غذا و لباس و سایر انتفاعات ما صرف می‌شود بیرون می‌آورد.» (موسوی همدانی / ۱۳۷۴: ج ۱۸، ص ۵۶۲)

پس مهم‌ترین اثری که کشاورزی بر انسانها دارد تأمین رزق و روزی و وسیله ای برای تولید غذا است.

« الإمامُ الكاظم (علیه السلام) فیما رواه عن أبيه، عن جدّه (الإمام الباقر علیه السلام): إنَّ بايَع الضَّيْعَةَ مَمْحُوقٌ، و مُشْتَرِيهَا مَرْزُوقٌ.» (مجلسی/۱۴۰۳ ق: ج ۳، ص ۸۲)

« امام کاظم (علیه السلام) به نقل از پدر خود (امام جعفر صادق (علیه السلام) از جدّ خویش (امام محمد باقر (علیه السلام): فروشنده زمین زراعتی، مالش نابود است، و خریدار آن روزیش آماده.» (حکیمی / ترجمه احمد آرام / ۱۳۸۰: ج ۵ / ص ۵۱۳)

بنابراین مهم‌ترین اثر جسمی که کشاورزی بر انسانها دارد تأمین رزق و روزی و وسیله ای برای تولید غذا است، اما علاوه بر این تولید گلها و گیاهان سبب انبساط و شادی روح انسان و تقویت سلامت روانی فرد می‌شود. زمینی که آثار حیات از او رخت بر بسته بود و چهره ای زشت و تیره داشت با نزول قطرات حیات بخش باران بوسیله گیاهان سر سبز در پرتو نزول باران زنده می‌شود. رنگ سبز طبیعت علامت بهار، جوانی، رشد و نمو می باشد و آب نیز مایه حیات است و عامل اصلی این طراوت است.

به طوری که خداوند متعال می‌فرماید: « أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً



إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (حج / ۶۳)

آیا ندانسته‌ای که خدا از آسمان آبی نازل می‌کند، در نتیجه زمین سرسبز و خرم می‌شود به یقین خدا لطیف و آگاه است.

## ۲. آثار معنوی

کشاورزی علاوه بر آثار مادی که شامل اثر جسمی و روحی است دارای آثار معنوی نیز می‌باشد، یعنی کشاورز می‌تواند با کار کشاورزی بهره‌های زیادی را عاید خود کند و علاوه بر رزق و روزی دنیوی، اجر و پاداشی در آخرت نیز نصیب خود نماید، همچنانکه در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است: «وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: مَنْ

غَرَسَ غَرْسًا فَأَنْمَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ.» (نوری / ۱۴۰۸ ق: ج ۱۳، ص ۴۶۰)

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: هر کس درختی بنشانند و به بار بنشینند، خدا به اندازه‌ای که میوه از آن فراهم آید به او پاداش می‌دهد.

روایت دیگری نیز بیانگر همین امر است که توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بیان شده است:

قال رسولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ (نوری / ۱۴۰۸ ق: ج ۱۳، ص ۴۶۰) رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

می‌فرماید: هر مسلمانی که درختی بکارد یا دانه ای کشت کند و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن بخورند، برایش صدقه به شمار می‌آید.





## نتیجه بحث

مهم ترین نتایجی که در مجموع از کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی به دست می‌آید به طور خلاصه چنین است:

۱- کشاورزی از آن جهت که مواد غذایی جامعه را تهیه می‌کند، یکی از شغل های مقدس الهی شناخته شده و همچنین در فقرزدایی اهمیت خاصی دارد؛ زیرا اساسی ترین نیاز انسان ها را با کشت و کار برطرف می‌کند. این کار یکی از پسندیده ترین کارها و عامل مهمی برای از بین بردن فقر و نداری است. به همین دلیل، اسلام با توجه خاص به آن، مردم را به کشاورزی تشویق کرده است، روایات فراوانی نیز از معصومین (علیهم السلام) درباره اهمیت کشاورزی نقل شده است، همچنین سیره انبیا و اولیا دین نیز این بوده است که در کنار وظایف خطیر خود به امر کشاورزی مشغول باشند.

۲- بشر به طور فطری به تکامل و بهبود علاقه‌مند است و در این راه دائم کوشش می‌کند که در نهایت منجر به توسعه و ترویج در زمینه های گوناگون می‌شود. در بعد کشاورزی نیز نیاز به توسعه و ترویج وجود دارد که برمبنای روایات اسلامی فلسفه آن تأمین غذا، احیای زمین، تعلیم و تربیت نیروی انسانی است. همچنین از آیات قرآن استفاده می‌شود که فلسفه ترویج و توسعه در اسلام تنها دارای بعد مادی و اقتصادی نیست، بلکه برای عمران و توسعه ابعاد انسانی، اخلاقی، روانی و معنوی نیز در نظر گرفته شده است.

۳- انسانها می‌توانند با توجه به عوامل توسعه از قبیل آب و خاک حاصلخیز، و نور خورشید تغییرات فیزیکی در محیط پیرامون خود ایجاد کنند، اما این تغییر باید از نهاد و درون انسان سرچشمه گیرد.



به این معنا که کشاورز مسلمان ابتدا باید به عوامل معنوی توسعه از قبیل تقوی، توکل و شکر گذاری توجه کند، تا کار سخت و دشوار زراعت برای وی آسان شده و در صورت فراهم نبودن عوامل مادی یا شکست، از کار و کوشش نا امید نشود.

۴- با این وجود موانع مختلفی برای زراعت یافت می‌شود که در آیات و روایات گوناگون به چشم می‌خورد. از جمله می‌توان به گناه، عدم پرداخت زکات و انفاق و نبود اطلاعات و مدیریت صحیح اشاره کرد. بنابراین می‌توان از این موانع جلوگیری کرد اگر به این نکته توجه شود که این موارد با دستورات الهی سازگار نمی‌باشد، پس کشاورز موفق می‌تواند زندگی سعادت‌مندانه‌ای نیز در آخرت برای خویش فراهم کند.

۵- از سویی دیگر انسان برای بهره‌گرفتن صحیح از مواهبی که خداوند در اختیارش قرار داده است، نیازمند آدابی سودمند و برگرفته از فرهنگ غنی دینی و آموزه‌های درخشان اسلام است، اگرچه کشاورز مسلمان به خوبی میدانند که اگر توجه و الطاف الهی نباشد، خودش به تنهایی نمی‌تواند هیچ کاری را پیش ببرد. از آداب وارد شده در زمینه کشاورزی می‌توان به دعا کردن، اصلاح روش، پرداخت زکات واجب و مستحب اشاره کرد.

۶- با توجه به مطالب گذشته طبیعتاً امر کشاورزی دارای آثاری است و این آثار را می‌توان به آثار مادی و معنوی تقسیم کرد. آثار مادی آن از قبیل اثر روحی که انبساط و شادی روح است و اثر جسمی که تامین رزق و روزی است و شامل همه کشاورزانی است که با توجه به اصول علمی یا تجربی و سنتی کشاورزی به آن می‌پردازند و آثار معنوی نیز می‌تواند شامل همه کشاورزان باشد اما این آثار بیشتر بر کشاورز مسلمان مترتب است.





## منابع

- ❖ قرآن کریم، ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳.
۱. ابن بابویه قمی، محمدبن علی (شیخ صدوق)، الامالی، چاپ اعلی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
  ۲. .... ، ..... ، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
  ۳. .... ، ..... ، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.
  ۴. .... ، ..... ، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
  ۵. برشان، محمد، جایگاه آب و زمین در تاریخ ایران، انتشارات خط فاصله، کرمان، ۱۳۹۱.
  ۶. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
  ۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
  ۸. حسین، مظفر، ترویج کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی، ترجمه محمود حسینی - فریبا مبینی، زنجان، شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه، ۱۳۸۰.
  ۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
  ۱۰. خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، انتشارات رضوی، ۱۳۷۵.
  ۱۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
  - ۱۲- ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، ترجمه علل الشرائع، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰.
  ۱۳. سبحانی، جعفر، فروع ولایت، قم، انتشارات صحیفه، ۱۳۶۸.
  ۱۴. صداقت، سیدعلی اکبر، یکصد موضوع پانصدده استان، نشر ناصر، قم، چاپ چهارم، پاییز



۱۳۸۵

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الكافي (ط - الإسلامية)، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مترجمان، ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مراغی، یعقوب، طب النبي (صلی الله علیه و آله و سلم) و طب الصادق (علیه السلام) (روش تندرستی در اسلام)، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۸۱.
۱۹. مشایخ، فاطمه، قصص الأنبياء (قصص قرآن)، تهران، انتشارات فرحان، ۱۳۸۱.
۲۰. مصطفوی، سید جواد، ترجمه اصول کافی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. میرباقری، سید ابراهیم، ترجمه مکارم الاخلاق، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۵.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.



## مقالات

۱. فجری، محمد مهدی، یتیمان سراقراز، مهر امیرالمومنین ۷، شماره سوم، ۱۳۸۷ ش.